

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصرنویسن

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ... سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نمایه مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی) تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۴۳۴ رده بندی کنفرانس: ب ۵۶/۳۳۳۷۰

بررسی تأثیرات ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه

الهه ابراهیمی^۱

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر زبان و ادبیات فارسی آموزش و پرورش شهرستان سرپل ذهاب

دکتر زهرا عظیمی

دکترای تخصصی زبان ادبیات فارسی، دبیر زبان و ادبیات فارسی آموزش و پرورش شهر کرمانشاه ناحیه ۲

چکیده

اهداف تربیتی و محتوای آموزش از جمله عناصر مهمی هستند که تحت تأثیر ایدئولوژی های مختلف قرار گرفته اند. از جمله ایدئولوژی هایی که بر انتخاب اهداف تربیتی و محتوای آموزش تأثیر چشمگیری داشته اند؛ ایدئولوژی لیبرالیسم و دو گرایش آن یعنی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم است که دلالت های آنها در حوزه مبانی، اهداف، محتوا و روش های تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این پژوهش بر آن است که علاوه بر تبیین اهداف و تاریخچه ایدئولوژی لیبرالیسم و گرایش های آن یعنی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم، به بررسی تأثیرات ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه بپردازد و در پی پاسخگویی به این پرسش است که تأثیرات ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه چگونه است؟ نتایج این پژوهش که در آن از روش تحلیل اسنادی، یعنی تحلیل آن دسته از اسناد و منابعی که شامل اطلاعات درباره پدیده هایی است که قصد مطالعه آن را داریم، استفاده شده است و از جمله پژوهش های بنیادی است، بیانگر این نکته است که نظام آموزش در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه تحت تأثیر این ایدئولوژی و گرایش های آن یعنی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم بوده و وجوه اشتراک نظام تعلیم و تربیت دوره متوسطه در اهداف و محتوای تربیتی بسیار بیشتر وجوه افتراق آنها است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، لیبرال دموکراسی، نتولیرالیسم، محتوا، اهداف تربیتی، دوره متوسطه.



مقدمه

در بررسی تحولات لیبرالیسم با گذار از دوره کلاسیک این مفهوم که همزمان با قرن هفده و هجدهم میلادی در غرب است، پس از ۱۸۴۸ م با مبارزات اجتماعی گسترده‌ای برای بهره‌مندی همه طبقات جامعه از آرمان‌های لیبرال روبرو هستیم که سبب پیوند لیبرالیسم با مفهوم دموکراسی می‌شود. لذا لیبرالیسمی که خود را با طبقه مسلط و سرمایه‌دار تجاری وفق داده‌بود، می‌بایست خود را برای آرمان‌های دموکراتیک بازسازی کند. با توجه به تحول مفهوم لیبرالیسم می‌توان گفت مفهوم اولیه لیبرالیسم از آزادی به معنای امنیت جان و مال فرد از هرگونه تجاوز و دخالت، جای خود را به مفهوم جدیدی از آزادی بخشید که در این معنا دولت مؤسسه‌ای به حساب می‌آمد که می‌تواند ضایعات ناشی از بازار آزاد را جبران نماید و در قرن بیستم معنای نظری پیدایش دولت رفاهی شد. اما این وضعیت با پدید آمدن دوره‌ای از رکود اقتصادی پس از جنگ بین الملل دوم پدید آمد. از لحاظ اقتصادی نئولیبرال‌ها، نقش دولت را به عنوان عامل تنظیم اقتصادی را مورد تردید قرار داده و بار دیگر بر مزایای نظام رقابت آزاد و بازگشت به اصول لیبرالیسم کلاسیک تأکید کردند. یکی از تأثیرگذارترین مربیان لیبرال جان دیویی است. لیبرالیسم دیویی آموزه‌ای از دموکراسی و برنامه‌ریزی اجتماعی است. او در کتاب «فردگرایی قدیم و جدید» هدف اساسی آموزش را توجه به مفهوم بازسازی جامعه و رشد فردی می‌داند. از این رو دموکراسی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت مطلوب از منظر دیویی است. تأکید دیویی در آموزش بر اساس دموکراسی موجب توجه به سه اصل: پیشرفت و تکامل فردی، برابری اجتماعی، کارایی در امر آموزش شد (کلارک^۱، ۱۳۹۴: ۴۰۴-۴۰۵). حیطه دخالت ایدئولوژی‌ها از جمله لیبرالیسم و گرایش‌های آن تنها در امر آموزش محدود نشده و به اموری همچون طراحی و تدوین الگوهای تعلیم و تربیت و محتوای دروس و ... نیز کشیده شده‌است. بوردیو^۲ در این رابطه می‌نویسد: «ایدئولوژی به‌ویژه ایدئولوژی گروه مسلط، دارای اثر مستقیمی بر آموزش و پرورش خاصه نظام آموزشی دارد» (اپل^۳، ۲۰۰۴). برخی ایدئولوژی‌ها در رویارویی با برنامه درسی به دو شکل عمل می‌کنند. برخی ایدئولوژی‌ها مانند ایدئولوژی تمامیت‌خواه به صورت آشکار در برنامه درسی مدارس وارد می‌شوند اما برخی ایدئولوژی‌ها

^۱. Clarke

^۲. Bourdieu

^۳. Apple



.Carr



دلالت‌های آن در اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت» و پژوهش‌های روان‌شناختی (۱۳۸۶) با عنوان «درباره لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی» و جاویدی کلاته و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «رویکردی تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی (چالش‌های میان نظریه‌های لیبرال، جماعت‌گرا و تفاهمی)» و پژوهش‌های مشکات (۱۳۸۵) با عنوان «سنجش لیبرال دموکراسی» و نیک‌نشان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش و پرورش؛ مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی، نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی» و دلیلی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مردم‌سالاری دینی در مقایسه با الگوی لیبرال دموکراسی» و از جمله پژوهش‌های خارجی در این رابطه: جونگ گان^۱ (۱۹۸۲) در رساله دکتری خود با عنوان «ارزشیابی دیدگاه هرست در برنامه درسی» معتقد است: با توجه به مناقشاتی که در زمینه بیانات هرست در برنامه درسی وجود دارد، مطالعات منظمی درباره او انجام نشده است. او اصطلاح برنامه درسی از دیدگاه هرست را چنین بیان می‌کند: برنامه‌ای از فعالیت‌های طراحی شده که متربیان پس از یادگیری آنها به اهداف مشخصی دست می‌یابند. نیومن^۲ (۱۹۷۳) در کتاب معروف خود با عنوان «مفهوم دانشگاه» تعلیم و تربیت لیبرال را بررسی کرده است. منینگ^۳ (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «تعلیم و تربیت لیبرال برای زندگی کاری» معتقد است که تربیت آزاد می‌تواند در زندگی کاربرد داشته باشد و به صورت تلفیقی به کار رود به عبارت دیگر حرفه‌گرایی جدید، برای فراگیران تربیتی محدود را فراهم می‌کند که توجه نداشتن به مهارت‌های غیرفنی و نیز اخلاق کاری از جمله محدودیت‌های آن به شمار می‌رود. این پژوهش بر آن که به بررسی تأثیرات ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه بپردازد به همین منظور ابتدا تاریخچه و ریشه ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن مورد بحث قرار گرفته است و سپس اهداف تربیتی و محتوایی ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم و اهداف تربیتی دوره متوسطه و محتوای آموزشی دوره متوسطه بررسی شده و در نهایت به مقایسه و بررسی تأثیرات

^۱ . Jong. G

^۲ .Newman

^۳ .Manning



15



دموکرات‌هایی هستند که در اواخر قرن نوزدهم در ادغام اصول لیبرالیسم و دموکراسی تلاش نمودند. گروه سوم که نسل نیمه اول قرن بیستم هستند لیبرال دموکراسی را با برخی اصول سوسیالیسم و اقتصاد دولتی ترکیب و بر آزادی مثبت تأکید نمودند و نسل چهارم که در نیمه دوم قرن بیستم به احیای اصول لیبرالیسم اولیه روی آورد که از آن تحت عنوان نئولیبرالیسم یاد می‌شود (پوزتی^۱، ۱۳۸۵).

در رابطه با آموزش و پرورش آزاد یا لیبرال باید گفت که این نظام به این دلیل آزاد یا لیبرال خوانده شده است که در مسیر آزاد ساختن فرد از تعلقات مادی است و اهداف آن با لیبرالیسم سیاسی که توسط جان استوارت پایه‌گذاری شده کاملاً متفاوت است. مهم‌ترین هدف این آموزش ابتدا آشنایی با ارزش‌ها و ایجاد فضایل در انسان به وجهی که پایه‌ای برای آموزش عقلی و باروری ذهنی باشد. به عبارت دیگر آموزش و پرورش با آموزش احساس آغاز می‌شود به طوری که فرد نه تنها از انجام اعمال زشت رویگردان است بلکه از مشاهده آن نیز احساس نفرت می‌کند و نیکی را فی نفسه و فراتر از عواقب و سودمندیش طلب می‌کند. شاید دلیل فیلسوفان برای تأکید بر آموزش و پرورش آزاد این است که پرورش نیروی عقل به وسیله دانش، بدون احساس تعهد به خیر و حقیقت، می‌تواند منجر به سوءاستفاده از دانش گردد. درحقیقت آموزش و پرورش آزاد قبل از تربیت علمی و عقلی بر تربیت و تعالی منش تأکید دارد زیرا از طریق آن هم سلامت فرد و هم سلامت جامعه تأمین می‌گردد (زیباکلام مفرد، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

۲. مبانی و مفاهیم ایدئولوژی لیبرال

دموکراسی لیبرال جهتی فردگرایانه دارد. بدین معنا که فرد اصی‌تر و بنیادی‌تر از جامعه و نهادهای آن و مقدم بر آن تلقی می‌شود. فرد به خودی خود یک هدف است و ابزار محسوب نمی‌شود. یعنی فرد به عنوان مقوله‌ای اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی، همچون ابزاری در دستان حکومت و دیگر نهادهای جامعه قرار نمی‌گیرد (گوتک، ۱۳۸۰: ۶۴). در این بینش در مفهوم فرد، بیش از اینکه وجه اشتراک شخص با اشخاص دیگر مدنظر باشد، وجوه ممیزه او از دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد. در این نظام فلسفی، افراد از نظر حقوق و آزادی‌هایشان با هم برابرند و نیروی برانگیزاننده افراد نفع شخصی آنان می‌باشد. یعنی آنها به صورت آگاهانه از نفع شخصی خویش پیروی می‌کنند و آزادی را که آنها در پی آنند، به معنای عدم

^۱ Pozeti.

از جمله مفاهیم ایدئولوژی لیبرال خودمختاری است که به معنای برخورداری از اختیار کامل یا انتخاب همه جانبه می‌باشد. بنابراین اگر فردی در انتخاب اهداف آزاد نباشد بلکه فقط در انتخاب ابزار و وسایل رسیدن به اهداف آزاد باشد، از خودمختاری کامل برخوردار نیست. به صورت خلاصه عمل مختارانه عملی غیرقابل پیشگویی است (وینچ^۱، ۲۰۰۲). از دیگر مفاهیم ایدئولوژی لیبرال مفهوم آزادی فردی است که مبتنی بر ایدهٔ فردگرایی است و بدین معناست که زندگی هر فرد به خود او تعلق دارد و همهٔ افراد از حقوق اولیهٔ زیستن، اندیشیدن و باور داشتن مبتنی بر تمایلات خویش برخوردارند. فرد آزاد است که شکل مطلوب زندگیش را انتخاب کند حتی اگر شکل زندگی او در مقابل ارزش‌هایی باشد که برای جامعه محترم است. بنابراین آزادی فردی شامل آزادی آگاهی، تفکر، بیان و عمل می‌شود که این

| γ



آزادی‌ها نباید از طریق دولت یا ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی محدود شود. به طور کلی آزادی فردی در دو سطح مطرح می‌شود: نخست آزادی فرد در سطح جامعه، که به معنای پرهیز از هرگونه مداخله در زندگی خصوصی افراد است و دوم آزادی فرد در سطح آگاهی، یعنی اشخاص آزادند. خودشان مسائل را دریافت، تحلیل و ارزیابی کنند و از هرگونه اطاعت کورکورانه اجتناب نمایند (گاتمن، ۱۹۹۹).

برابری نیز از دیگر مفاهیم ایدئولوژی لیبرال است که به معنای برابری در دارایی و مالکیت خصوصی نیست بلکه منظور برابری فرصت‌ها جهت نایل شدن به موفقیت‌ها است (آربلاستر، ۱۳۷۹). مشروعیت نیز از دیگر مفاهیم ایدئولوژی لیبرال به شمار می‌آید که به معنای قوانینی است که از آزادی فرد یا شهروندی حمایت می‌کنند و آنها را تضمین می‌کنند (همان). یکی از پایه‌های اصلی اندیشه لیبرال تکثرگرایی است که بیان‌کننده این حقیقت است که اهداف انسان بسیار و برخی از آنها در تعارض با یکدیگرند. از این رو مجموعه‌ای از معیارها مثل شایستگی، قانون‌مندی و مدلل بودن پیشنهاد می‌شود. به علاوه تکثرگرایی انسان‌ها را به عنوان موجوداتی خود تغییردهنده و غیرقابل پیشگویی معرفی می‌کند. بنابراین به دلیل اینکه کشف آنچه که حقیقتاً برای همه انسان‌ها خوب است غیرممکن می‌باشد لذا تکثرگرایی به عنوان تمایل بنیادی ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن قرار می‌گیرد در چنین جامعه‌ای همه عقاید و ارزش‌ها اجازه حضور پیدا می‌کنند (گاتمن، ۱۹۹۹). آخرین مفهوم از مفاهیم ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن بی‌طرفی است. دموکرات‌های لیبرال که خود را نمایندگان آزادی اندیشه می‌پندارند با هرگونه جانبداری ارزشی و آموزش دین به دانش‌آموزان مخالفند و آن را عامل سرکوب اندیشه تلقی می‌کنند و عموماً با تلاش‌های دولت برای تحمیل هم‌رنگی مذهبی و حمایت قانونی از نهادهای مذهبی مثل کلیسا مخالف هستند. از این رو معتقدند مدارس نسبت به همه ادیان باید حالت بی‌طرفی اتخاذ نمایند. براساس این ایده آنها سعی کرده‌اند تا تعلیم دینی را از برنامه مدارس حذف کنند (گوتک، ۱۳۸۰). گاتمن معتقد است که ایده بی‌طرفی نسبت به ارزش‌ها و ادیان دو هدف عمده را در مدارس دنبال می‌کند: ۱) کمک به دانش‌آموزان تا ارزش‌های زندگیشان را خودشان درک کنند و توسعه دهند. ۲) آموزش به آنها تا برای ارزش‌های دیگران احترام قائل شوند (گاتمن، ۱۹۹۹).



۳. اهداف تربیتی و محتوایی در ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم

۳-۱. مبانی و اهداف تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم

مبنای تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم بر این اصول استوار است که عبارتند از:

(۱) مبنای ارزشمندی فی‌النفسه دانش: لیبرال یا آزاد به معنای آزادی ذهن از رنگ‌های دنیوی است و به دلیل ماهیت ذهن که فی‌النفسه برای کسب علم خلق شده و تا زمانی که به حقیقت نرسد ناآرام است. در این ایدئولوژی در انتقال دانش و روش شناخت حقیقت در آموزش و پرورش بحث بر سر ارزش‌ها و دانش‌هایی است که باید ارائه شوند. هرست در این رابطه معتقد است که این ارزش‌ها باید ارزش‌هایی باشند که وابسته به شرایط زمانی و مکانی و سیاسی نباشند و زمینه‌هایی که ارزش بر آن استوار است از دیرباز در مفهومی نهفته است که بشر از شکل‌های دانش دارد و آموزشی را طلب می‌کند که براساس ماهیت و اهمیت خود دانش است نه براساس علایق موجود دانش‌آموز، نیاز جامعه و هوس‌های سیاستمداران. پیترز نیز که یکی از فیلسوفان آموزش آزاد در عصر حاضر است معتقد است که آموزش و پرورش عبارت است از آشنایی آگاهانه دانش آموز با فعالیت‌های ارزشمند. به عبارت دیگر انتقال ارزش‌ها به روشی عقلانی به وجهی که در آموزنده انگیزه‌ای قوی برای پیشرفت پدید آورد. در دیدگاه او انسان فرهیخته انسانی نیست که صرفاً مهارت‌های تخصص داشته باشد (زیباکلام مفرد، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

(۲) مبنای تعلیم و تربیت عمومی: اندیشمندان ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم از جمله پیترز و هرست و حتی ابن سینا میان حرفه آموزی و تعلیم تربیت تفاوت قائل بوده و پیترز در این رابطه می‌نویسد: میان تعلیم و تربیت لیبرال و حرفه‌آموزی تفاوت وجود دارد و حرفه‌آموزی مربوط به نهادهایی غیر از نهادهای تعلیم و تربیت است (پیرحیاتی، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

(۳) مبنای پرورش فرد آزاد: پیترز هدف از تعلیم و تربیت را پرورش فرد آزاد می‌داند و آزادی فرد را داشتن حق انتخاب با استدلال و اندیشه می‌داند (همان: ۱۲۱).

(۴) مبنای اهمیت دانش برای ذهن: نیومن در رابطه با این اصل ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم می‌نویسد: بین دانش و ذهن انسان نوعی همبستگی وجود دارد و کسب دانش الزاماً به رشد



ذهنی منتج می‌شود. این رشد ذهنی راه رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه است. درواقع با به دست آوردن چنین دانشی طبع انسان اقناع می‌شود (نیومن: ۱۹۸۲).

۵) مبنای ارتباط بین دانش و واقعیت: در دیدگاه فیلسوفان ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم کسب حقیقت و بصیرت به خیر کلی و نیز پرورش نیروی عقل در جهت پیوند میان حقایق گوناگون جهان (وحدت در کثرت) بدون اغراض مادی و شهرت‌طلبی، هدف اصلی آموزش است. باید دانست که دانش دربارهٔ امور به ما اطلاع نمی‌دهد بلکه علم دربارهٔ رابطهٔ بین امور است نه خود امور (زیباکلام مفرد، ۱۳۷۴: ۱۱۲).

۶) مبنای عقلانیت: هرست در رابطه با مبنای عقلانیت در ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم می‌نویسد: تعلیم و تربیت تعهد به عقلانیت است، نه کمتر و نه بیشتر (هرست: ۱۹۶۵). افلاطون نیز که از فیلسوفان ایدئولوژی لیبرال است تعلیم و تربیت را پرورش عقل انسان می‌داند (زیباکلام مفرد، ۱۳۸۴: ۲۵).

۷) تساوی حیثیت و حرمت: این امر در تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم یک ارزش کلیدی است. تساوی حرمت در این ایدئولوژی به معنای پذیرفته شدن تنوع آراء و نیز تساوی فرصت‌ها است. بدین معنا که همهٔ افراد حق دسترسی مساوی به منابع و امکانات را دارند به گونه‌ای که هیچ شهروندی در آینده از فرصت‌های زندگی به دلیل دسترسی ناعادلانه به منابع محروم نشود (هالستد، ۱۹۹۶).

۸) اصل بی‌طرفی: این اصل بر ایده عدم جانبداری از ارزش‌ها و دین‌های خاص استوار است. بنابراین براساس این اصل، نظام آموزش و پرورش باید از آموزش ارزش‌ها و تعلیم دینی خودداری کند و از هرگونه اقتدار مذهبی و یا ارزشی پرهیز کند. تأکید بر این است که به جای آموزش ارزش‌ها، بالا بردن توان ایضاح ارزش‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد (جاویدی کلاته، ۱۳۸۵: ۲۱).



۱۰) اصل اصالت فرد بر جامعه: فیلسوفان این ایدئولوژی معتقدند که با هر شاگرد همچون فردی متمایز از دیگران رفتار شود و روش مناسب برای تعلیم و تربیت او باید با کما دقت تعیین گردد به عبارت دیگر باید همواره برای دانش‌آموزان محیطی فراهم باشد که در آن فردیت مورد توجه قرار گیرد و خواسته‌ها و تمایلات افراد قربانی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نگردد (شکوهی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

— آشنایی، با ارزش‌ها و ایجاد فضایل در انسان:

— فراگیری دانش به خاطر خود آن

- پرورش تفکر انتقادی

— تربیت انسان شریف

— زندگی خوب

— ژرف‌نگری و قانع نبودن به ظواهر امور

— لذت معنوی ذهن و درک خیر و حقیقت

- تربیت احساسات و عواطف

— تعمیم فضایل



- پرورش عقل

- ایجاد فضیلت در انسان

- پرورش تمام ابعاد وجود انسان

- تربیت انسان فرهیخته

- پرورش شهروندان اجتماعی

- ایجاد حس نوآوری و خلاقیت در فرد

- تربیت انسان سعادتمند

- پرورش حس تاریخی

۳-۲. محتوای آموزشی تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم

با توجه به مبانی و اهداف تعلیم و تربیت در ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم و نظریات فیلسوفان این ایدئولوژی می‌توان محتوای تعلیم و تربیت را در ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم این گونه بیان نمود: با توجه به نقش عقل در این ایدئولوژی دوروسی که می‌توانند در به این منظور برای تربی تدریس شود و به پرورش عقلی او کمک کند شامل ریاضیات و فلسفه است. ارسطو به عنوان یکی از فیلسوفان این ایدئولوژی محتوای دروس را براساس سه هدف در نظر می‌گیرد:

- آموختن چیزهایی که در زندگی به کار آید.

- آموزش چیزهایی که نهاد انسان را نیک بار آورد.

- آموزش آنچه که دانش را افزایش دهد.



گویا ارسطو معتقد است که در مرحله کودکی با ایجاد عادت، در مراحل بعدی از طریق ادبیات، نمایش و موسیقی می‌توان احساس را تربیت کرد (زیباکلام مفرد، ۱۳۸۴: ۱). فیلسوفان این ایدئولوژی در کنار ریاضیات، موسیقی، نمایش و ادبیات برای درس تاریخ نیز اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. آنها تاریخ را میراث تمدن بشری می‌دانند که متشکل از احساسات و عواطف، اندیشه‌ها و باورها و ایده‌ها است. افلاطون معتقد است که در جریان تعلیم و تربیت پس از خواندن و نوشتن در مرحله ابتدایی، باید در متوسطه، ادب و علوم انسانی به کودک آموخت و او را با فرهنگ و تاریخ و سنن سرزمین و کشورهای همسایه و اعتقادات رایج اخلاق و دین آشنا کرد (میرزاحمدی، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

بنابراین در تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و تئولیرالیسم دانش‌ها تنها به واسطه ارزش درونی آنها مطالعه می‌شوند و تخصص‌گرایی در این ایدئولوژی مطرح نبوده و تخصص‌گرایی را مانع پرورش و محدودیت ذهن و عقل می‌دانند و نیز همچنین در مربی در این ایدئولوژی به دنبال انتقال دانش و نشان دادن آن به متربی برای گذاران زندگی نبوده و تنها ارزش درونی دانش محرک این امر خواهد بود.

۴. اهداف تربیتی و محتوای آموزشی در دوره متوسطه

نظام تعلیم و تربیت هر قدر در درونی کردن هنجارهای جامعه عمیق‌تر و اساسی‌تر عمل کند، به همان اندازه در دستیابی به اهداف عالی‌تر و ساختن افراد مطلوب جامعه موفق تر خواهد بود. این نوع آموزش‌ها که همه افراد جامعه نیاز دارند، آموزش عمومی نامیده می‌شود. غیر از استعدادهای عام بتدریج علایق، رغبت‌ها و توانایی‌های خاصی در افراد بروزمی‌کند. ازسوی دیگر همانطور که استعدادهای عام اهمیت دارد و باید به پرورش آنها همت گماشت، استعدادهای خاص نیز مهم است. برای شناخت و پرورش این استعدادهای باید برنامه ریزی لازم انجام گیرد. آموزش متوسطه بیشتر به پرورش این استعدادهای اختصاص دارد.

تعلیمات متوسطه با پرداختن به استعدادهای خاص بر تفاوت‌ها تکیه می‌کند تا ضمن تأیید وجوه تمایز شخصیت افراد و پرورش آنان، جوابگوی نیاز جامعه در زمینه‌های مختلف باشد به عبارت دیگر تعلیمات ابتدایی بیشتر به شباهت‌ها و تعلیمات متوسطه بیشتر به تفاوت‌ها توجه دارد (جوانمردی و همکاران،



۱۳۸۸: ۶). ملکی در کتاب مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه درباره اهداف نهایی و چگونگی برنامه‌ریزی در دوره متوسطه می‌نویسد: «در این دوره دانش آموزان را می‌توان با توجه به نیاز بازار کار و دانشگاه آموزش داد به نحوی که پس از پایان این دوره بتوانند به عنوان افرادی کم و بیش ماهر یا حتی متخصص به کار مشغول شوند. بنابراین شاخه‌ها و رشته‌های آموزش متوسطه باید حتی الامکان متعدد و متنوع باشد به طوری که بتواند پاسخگوی تنوع استعداد های دانش آموزان از یک سو و کثرت نیازهای بازار کار از سوی دیگر باشد. پایان تحصیلات متوسطه زمانی است که دانش آموز برای شرکت فعال و موثر در بازار کار یا ادامه تحصیل در دوره های آموزش عالی آماده شده باشد (ملکی، ۱۳۹۴: ۴۵).

در انتخاب محتوای تعلیم و تربیت در هر دوره‌ای به ویژه دوره متوسطه چند نکته اهمیت دارد از جمله قید «مهم» بودن است؛ بدان معنا که محتوا باید برای اوضاع زندگی حال و آینده مهم باشد. دیگر مؤلفه‌هایی که در انتخاب محتوا در این دوره اهمیت دارد «مرتبط بودن یا ارتباط داشتن» است که به معنای ارتباط محتوا با اوضاع و شرایط اجتماعی یادگیرندگان است. از طرفی با توجه به پدیده انفجار دانش و انبوه اطلاعات، برنامه‌ریزان درسی باید به انتخاب نمونه‌ای مناسب و مفهیم کلیدی و اساسی در هر یک از حوزه‌های دانش بپردازند (مهر محمدی، ۱۳۷۱: ۷۳).

هدف کلی آموزش متوسطه در نظام جدید آموزش و پرورش کمک به رشد هماهنگ نیروهای جسمانی و روانی و پرورش شخصیت و اخلاق از یک سو و بر آوردن نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در آینده است. رأی صادره در ششصد و چهل و هفتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۲۹/۲/۷۹ در راستای رسالت و مأموریت آموزش و پرورش و جهت‌دهی به رشد همه جانبه دانش آموزان بر پایه تعلیم و دستورات دین مبین اسلام، اهداف دوره متوسطه به شرح زیر تعیین می‌شود. مدیران، برنامه‌ریزان و همه افرادی که در تعلیم و تربیت دانش آموزان نقشی بر عهده دارند، مکلفند در برنامه‌ریزی امور، سازماندهی فعالیتها و انجام وظایف مربوط به گونه‌ای اقدام نمایند که تا پایان دوره تحصیلی دستیابی دانش آموزان به اهداف تعیین شده ممکن باشد.



- ۶- برای انجام کارهای خود برنامه‌ریزی می‌کند.
 - ۷- انجام کارخیر را در راه خدا عبادت می‌شمارد.
 - ۸- افکار و اعمال ناپسند را در شأن خود نمی‌داند و از انجام آن خودداری می‌کند.
 - ۹- از لباس‌های مناسب اسلامی و ایرانی استفاده می‌کند.
 - ۱۰- با دوراندیشی آینده‌بختی می‌سازد.
 - ۱۱- موازین دین و اجتماع را در آراستگی ظاهری رعایت می‌کند و نسبت به ترویج آن اهتمام دارد.
 - ۱۲- دیگران را با توانایی‌هایشان می‌شناسد و عیب‌جویی را یک ضد ارزش می‌داند.
 - ۱۳- انتقادپذیری و نقد توأم با حسن‌نیت را با اهمیت و زمینه پیشرفت می‌داند.
 - ۱۴- کمک به دیگران را برکمک خواستن از آنها ترجیح می‌دهد و در ترویج روحیه اقدام‌شخصی می‌کوشد.
 - ۱۵- برای پیشرفت کشور و راحتی هموطنانش تلاش می‌کند و آسایش و امنیت مردم را نتیجه وحدت و یکپارچگی می‌داند.
 - ۱۶- رفتار و اعمال خود را بر پایه عقل و فکر ارزشیابی و انتخاب می‌کند.
 - ۱۷- رفتاری متعادل دارد و به احساسات خود مسلط است.
 - ۱۸- قوانین و مقررات را رعایت می‌کند و در ترویج آن می‌کوشد.
- ### علمی و آموزشی
- ۱- پدیده‌های ساده علمی، تجربی و محیطی و ارتباط آنها را درک می‌کند.
 - ۲- در حوزه‌های علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی اطلاعات کافی دارد و می‌تواند در زندگی از آنها استفاده کند.
 - ۳- کتاب‌های نوشته شده به زبان فارسی را روان می‌خواند و به این زبان خوب تکلم می‌کند.
 - ۴- آیین نگارش فارسی را می‌داند و می‌تواند به این زبان، نامه، گزارش و مقاله بنویسد.
 - ۵- در استفاده از ریاضیات برای حل مسائل خود و جامعه مهارت دارد.
 - ۶- زبان عربی را در سطح درک معنی برخی از سور قرآن و احادیث و اذکار نماز و دعاهای متداول می‌داند و از دانش خود در زبان عربی برای فهم بهتر متون ادب فارسی استفاده می‌کند.
 - ۷- با حداقل یک زبان خارجه در حد توانایی ارتباط با دیگران آشنایی دارد.



- ۸- ارزش اطلاعات همه جانبه و صحیح را می داند و در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی مهارت دارد.
- ۹- برای زندگی و کاردر جامعه و تحصیل در دوره های بالاتر مهارت های لازم را دارد.
- ۱۰- با اعتقاد به تأثیر علم در انجام درست کارها فن آوری مناسب را به خدمت می گیرد.
- ۱۱- با توجه به توانایی های خود و نیاز جامعه می تواند شغل انتخاب نماید.
- ۱۲- جریان یادگیری خود را هدایت می کند.
- ۱۳- به تفکر و مباحثه علاقه مند است و با روش تحقیق آشنایی عملی دارد.

فرهنگی هنری

- ۱- برای فراگیری هنر مورد علاقه خود، تلاش می کند.
- ۲- دستاوردهای فرهنگی هنری جامعه ایرانی را جزئی از هویت ملی خویش می داند.
- ۳- جنبه هایی از هنر مورد علاقه خود را در انجام فعالیت ها به کار می بندد و زیباترین لحظه ها و پدیده ها را به کمک هنر ثبت می کند.
- ۴- به شناخت خصوصیات برجسته هنری و فرهنگی ملل علاقه مند است و در نقد آنها از تجرب و دستاوردهای فرهنگی کشور خود و دیگر کشورها استفاده می کند.
- ۵- با مفاخر فرهنگ و هنر آشنا است و از آنها استفاده می کند.
- ۶- به مطالعه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان علاقه مند است .
- ۷- به زبان و لهجه بومی و محلی خود علاقه مند است .
- ۸- آثار هنری و فرهنگی را ارزیابی و فرهنگ و هنر اصیل را تشخیص می دهد.
- ۹- به نقش مهم زبان فارسی در ایجاد ارتباط و وحدت فکری و فرهنگی ایرانیان واقف و با آثار برجسته ادب فارسی مأنوس است.

اجتماعی

- ۱ - برای تقویت ارتباطات عاطفی و اجتماعی اعضای خانواده، همسایگان و دوستان تلاش می کند.
- ۲- با ارزش صله ارحام آشنا است و خانواده را به انجام آن تشویق می کند.
- ۳- اهمیت تشکیل خانواده را می داند و با ویژگی های خانواده متعادل آشنا است .
- ۴- خداوند را منشاء حق و عدالت می داند و در برقراری حق و عدالت تلاش می کند.



- ۵- برای حفظ و توسعه یکپارچگی در اجتماع، تلاش می‌کند.
- ۶- نسبت به دیگران خیرخواه است و آنان را از انجام کارهای نادرست نهی می‌کند.
- ۷- مصالح جامعه را بر مصالح فردی ترجیح می‌دهد و قانون را برتر از تمایلات فردی و گروهی می‌داند و آن را رعایت می‌کند.
- ۸- به رعایت حقوق دیگران پای بنداست .
- ۹- در فعالیتهای اجتماعی آگاهانه و با علاقه‌مندی شرکت می‌کند.
- ۱۰- مسئولیت‌های افراد را در اجتماع درک می‌کند و نسبت به آنها از خود رفتار مناسب نشان می‌دهد.
- ۱۱- در ارتباط با نظرات و عقاید دیگران با سعه صدر برخورد می‌کند.
- ۱۲- با برنامه‌های توسعه آشنا است و برای تحقق اهداف آن می‌کوشد.
- ۱۳- ایثار را ارزش می‌داند و هرزمان مصالح جامعه اسلامی اقتضا کند از خود گذشتگی نشان می‌دهد.
- ۱۴- در راه خدمت به میهن و مردم داوطلب بوده و از خودگذشتگی نشان می‌دهد.

زیستی

- ۱- کارکرد و وظایف اعضای بدن رامی‌شناسد و با انجام فعالیتهای ورزشی، سلامت و تناسب آنها را حفظ می‌کند.
- ۲- با بهداشت فردی و اجتماعی و روانی و تأثیر آنها بر سلامت جامعه آشنا است و اصول آن را رعایت می‌کند.
- ۳- در حفظ و احیای محیط زیست فعالانه مشارکت می‌کند.
- ۴- برای ارتقاء سطح خود در رشته ورزشی مورد علاقه تلاش می‌کند.
- ۵- با کمک‌های اولیه آشنایی دارد و در مواقع بروز حوادث می‌تواند به یاری آسیب دیدگان بشتابد.
- ۶- علائم برخی از بیماری‌ها و راه‌های پیشگیری و درمان آنها را می‌داند.

سیاسی

- ۱- مبانی حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌داند و به آن اعتقاد دارد.
- ۲- نظام‌های حکومتی جهان را می‌شناسد و آن را نقد می‌کند.
- ۳- آثار مثبت حکومت دینی و ولایت فقیه رادرسعادت دنیا و آخرت می‌فهمد.



خارجی افتخار می‌داند و در ترویج آن می‌کوشد.

۱۳- مشارکت در فعالیتهای اقتصادی را وظیفه الهی، انسانی و ملی می‌داند.

تعیین و تعریف هدف‌ها در دوره متوسطه، علاوه بر اصول کلی، بایستی خاص دوره متوسطه بیان شوند. اهداف آموزش دوره متوسطه با توجه به خصوصیات آنها می‌تواند بر مبنای ویژگی‌های زیر صورت گیرد: بلوغ و نوجوانی، رشد بدنی، هورمونی و مغزی، بلوغ جنسی و تربیت جنسی، تحول شناختی، رشد هویت و استقلال، رشد اجتماعی و تجدید مناسبات اجتماعی، رشد فرهنگی، اخلاقی و دینی، اوقات فراغت و نیازمندی‌های نوجوانان، اختلالات دوران نوجوانی، انتخاب و راهنمای شغلی، همسرگزینی و تشکیل خانواده.

۵. مقایسه و بررسی میزان تأثیر ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه

در انتخاب محتوا و اهداف تربیتی دوره متوسطه همان‌طور که بیان شد توجه اصلی به اهداف تربیتی و محتوایی است که در سند بنیادین تحول نظام آموزشی کشور و در شصت و چهارمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۲۹/۲/۷۹ تدوین شده، می‌باشد. در این سند اهداف و محتوایی که برای دوره متوسطه در نظر گرفته شده در برخی زمینه‌ها با اهداف و مبنای و محتوای ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن یعنی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم همخوانی دارد و در برخی موارد در جبهه مخالف آن قرار گرفته‌اند. از جمله اشتراکات و تأثیرپذیری‌های اهداف تربیتی و محتوای دوره متوسطه از ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن یعنی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم می‌توان به اشتراک آنها در اصل نیاز به آموزش عمومی اشاره کرد. همان‌طور که گفته شد اندیشمندان لیبرال همچون پیترز و هرست قائل به اصل تعلیم و تربیت عمومی بودند و معتقدند که میان تعلیم و تربیت و حرفه‌آموزی تفاوت وجود دارد. این امر در دوره متوسطه و اهداف آن بدان معنا نمود پیدا کرده‌است که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه باید در وجود افراد درونی شوند.

از دیگر اشتراکات و تأثیرپذیری‌ها می‌توان به اصل توجه به رشد استعدادها و علایق فردی اشاره نمود. در اندیشه لیبرال فردیت‌گرایی و رشد استعدادها و علایق هر فرد به تنهایی از اهمیت ویژه‌ای



برخوردار است. ارزشمندی دانش نیز از اهداف دوره متوسطه است که در میان اصول و اهداف تربیتی لیبرال جایگاه ویژه‌ای دارد. مرتبط بودن محتوای آموزشی با اوضاع و احوال اجتماعی یادگیرنده نیز با اصل ارتباط دانش با واقعیت در ایدئولوژی لیبرال همخوانی دارد و نیز رشد هماهنگ نیروی جسمانی و روانی با هدف رشد همه جانبه انسان که از اهداف تعلیم و تربیت لیبرال است؛ ارتباط دارد. توجه به نیروی عقل و اخلاق در تربیت، پرورش شخصیت و اخلاق، توجه به علمی چون ریاضیات و آموختن فلسفه و استدلال برای حل مسائل فردی و اجتماعی و توجه به فرهنگ و تاریخ و هنر از اهداف و محتوای تربیتی دوره متوسطه هستند که با اصول و اهداف و محتوای تربیتی و تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال هماهنگ است و نیز بسیاری اشتراکات دیگر که بیانگر تأثیرپذیری نظام آموزشی دوره متوسطه در محتوا و اهداف و مبانی از ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن است. با این حال نظام آموزش متوسطه در برخی اهداف خود با ایدئولوژی لیبرال اختلافاتی دارد از جمله اینکه در نظام آموزشی متوسطه یکی از اهداف مهم توجه به حرفه آموزی برای آماده کردن فرد برای ورود به بازار کار است این در حالی است که در ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن هدف از تعلیم و تربیت و آموزش، تنها به سبب رشد ذهنی و ارزشمندی فی‌النفسه دانش است. از دیگر وجوه اختلاف، اصرار اهداف آموزشی و محتوایی نظام دوره متوسطه در توجه به اصول اعتقادی اسلام به متری است که این امر با اصل بی‌طرفی ایدئولوژی لیبرال مغایر است که در آن مبنا بر این است که نظام آموزش و پرورش باید از آموزش ارزش‌ها و تعلیم دینی خودداری کند. از دیگر اختلافات ترجیح مصالح جامعه بر فرد است که این اصل نیز با اصل فردیت‌گرایی ایدئولوژی لیبرال مغایر است. این امور در نظام آموزشی دوره متوسطه به علت تحت تأثیر قرار گرفتن سند تحول و اهداف و محتوای تعلیم و تربیت از دین اسلام؛ به عنوان دین رسمی کشور، است.

نتیجه‌گیری

مقایسه اهداف تربیتی و مبانی و اصول و محتوای تعلیم و تربیت ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن با اهداف تربیتی و محتوای تعلیم و تربیت در دوره متوسطه که توسط وزارت آموزش و پرورش تدوین شده است بیانگر این است که نظام آموزشی دوره متوسطه در بسیاری زمینه‌ها با ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن دارای اشتراک است و در برخی موارد اندک نیز اختلافاتی دارد. از جمله اشتراکات آنها عبارتند از: توجه به تفاوت‌های فردی، توجه به آموزش‌های همگانی، توجه به مرتبط بودن محتوای



آموزشی با اوضاع و احوال اجتماعی یادگیرنده، توجه به رشد همه جانبهٔ تربی، توجه به اخلاق و اهمیت ویژه به عقلانیت و نیز توجه به محتوای علمی همچون ریاضیات، فلسفه، هنر، تاریخ و ... از جمله وجوه اختلاف آنها توجه به تخصص‌گرایی در نظام آموزشی دورهٔ متوسطه برخلاف عدم توجه به حرفه‌آموزی و تخصص‌گرایی در ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن، ترجیه مصلحت جامعه بر فرد نیز با اصل فردیت‌گرایی مطلق ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن مغایر است. همچنین توجه ویژه به اصول اعتقادی اسلامدر نظام آموزشی دورهٔ متوسطه در مقابل اصل بی‌طرفی ایدئولوژی لیبرال و گرایش‌های آن قرار دارد.



منابع و مأخذ

- پوزتی، لو. (۱۳۸۵). درس‌های این قرن: گفت و گو با کارل پوپر. ترجمه علی پاپا، تهران: نشر صدا.
- پیرحیاتی، اشرف. (۱۳۷۹). تبیین تعلیم و تربیت (اهداف، محتوا و روش‌ها) از دیدگاه پیترز با تأکید بر مبانی فلسفی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- جاویدی کلاته جعفر آبادی، طاهره، مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۵). «رویکردی تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی (چالش میان نظریه لیبرال، جماعت‌گرا و تفاهمی»، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۷۱، صص ۹-۶۴.
- جوانمردی، ستار؛ جوانمردی، چنور؛ پورشافعی، هادی. (۱۳۸۸). «مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام و دلالت‌های آن در آموزش متوسطه»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (رحمه الله).
- چدیک، اون، نیومن. (۱۹۸۲). اندیشمندان گذشته، ترجمه فاطمه زیباکلام مفرد، دانشگاه آکسفورد.
- حیدری، سمیرا. (۱۳۸۳). ماهیت دانش از دیدگاه پل هرست و دلالت‌های آن بر انتخاب محتوای تعلیم و تربیت و نقد آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خالقی، رضا. (۱۳۷۹). تبیین و نقد نظام تربیتی لیبرال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دلیلی، شهاب. (۱۳۹۳). «طراحی الگوی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مردم‌سالاری دینی در مقایسه با الگوی لیبرال دموکراسی»، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره ۳، صص ۸۱-۹۵.



- رواسانی، شاپور. (۱۳۸۶). «درباره لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۳، صص ۱۵۰-۱۵۳.
- زارعان، محمدجواد. (۱۳۷۹). «تربیت دینی، تربیت لیبرال»، نشریه معرفت، شماره ۳۳، صص ۸-۱۵.
- زیباکلام مفرد، فاطمه. (۱۳۷۴). «بررسی برخی دیدگاه‌های آموزش و پرورش آزاد یا سنتی»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران، سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- زیباکلام مفرد، فاطمه. (۱۳۸۴). مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام، مجتمع آموزشی و پژوهشی تفرش.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۲). مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ شانزدهم، مشهد: انتشارات به‌نشر.
- شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش (۱۳۷۹). رأی ۶۴۷ جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخه ۱۳۷۹/۲/۲۹، وزارت آموزش و پرورش.
- کلارک، باری. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه عباس حاتمی، تهران: انتشارات کویر.
- گوته، جراللدی. (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت.
- مشکات، محمد. (۱۳۸۵). «سنگش لیبرال دموکراسی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۳، صص ۱-۳۰.



- ملکی، حسن. (۱۳۹۴). مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت.

- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۷۱). «نقدی بر: در جست و جوی معیارهایی برای انتخاب محتوا»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۰، صص ۶۹-۷۵.

- میرزاحمدی، محمدحسن؛ رهنما، اکبر؛ صحبت‌لو، علی. (۱۳۸۷). «بررسی مبانی لیبرالیسم آموزشی با تأکید بر دلالت‌های آن در اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت»، نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۹۵-۱۲۲.

- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۷۵). درآمدی به فلسفه، چاپ سوم، تهران: انتشارات طهوری.

- نیک‌نشان، شقایق؛ لیاقت‌دار، محمدجواد؛ بختیار نصرآبادی، علی‌حسن؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر. (۱۳۹۱). «ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش و پرورش؛ مقایسه پیمادهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی»، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۲، صص ۵-۲۶.

-Apple, M. (۲۰۰۴). *Ideology and curriculum*. New York: Routledge Falmer.

-Carr, A. W. (۱۹۹۸). *The changing American college student: Thirty-year trends, ۱۹۶۶-۱۹۹۶*. *The Review of Higher Education*, ۲۱(۲), ۱۱۵-۱۳۵.

- Gutman, Amy. (۱۹۹۹). *Liberty and pluralism in pursuit of the non ideal*. *Social Research*, Vol ۶۶, No. ۴, pg. ۱۰۳۹.

- Halstead, Mark & Monico, J. (۱۹۹۶). *Liberal values and liberal education*,



London, Flamer Press.

- Turner, R. S. (۲۰۰۸). *Neoliberal ideology: History, concepts and politics*. Edinburgh: EdinburgUniversity Press.

- Winch, Christopher. (۲۰۰). *Strong Autonomy and Education*. *Educational Theory*. Vol ۵۲, ۲۷- ۴۱.

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸

دانشگاه رازی- سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵